

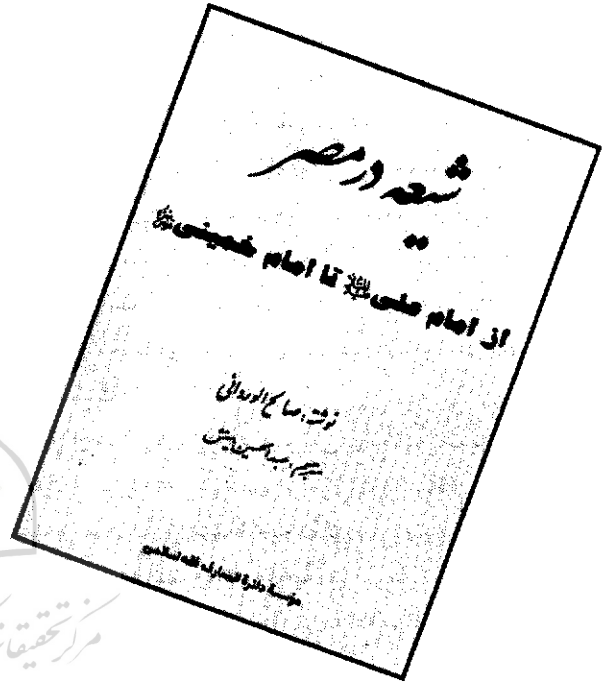
با «شیعه در مصر»

مصطفی شفیعی

۱. عقائد السنة و عقائد الشیعه، التقارب والتباعد؛
۲. مصر و ایران صراع الأمن والسیاسة؛
۳. فقهاء النقط؛
۴. الدفاع عن الرسول؛
۵. بن باز، فقیه آل سعود؛
۶. زواج المتمه حلال عند اهل السنة؛
۷. مدافع الفقهاء.

کتاب حاضر

مترجم در مقدمه خود بر کتاب حاضر می نویسد: «مطالعه تاریخ مصر پس از اسلام برای ما ایرانیان شیعی مذهب بسیار درس آموز و عبرت آمیز است؛ چرا که مصر برهه ای از تاریخش را در سایه حکومتی شیعی مذهب - فاطمیان - سپری کرده؛ هر چند پیش از آن، تشیع از آن سرزمین غایب نبوده است. به گواهی تاریخ مدت دو سده در مصر، شعایر شیعی برپا بود و فقه شیعه حاکمیت داشت. در اذان «حی علی خیر العمل» گفته می شد. در روزهای عزای شیعیان، شهرها چهره اندوه به خود می گرفت و در روزهای عید آنان، در همه جا مجالس سرور و شادمانی برپا بود. در همه این دوران خطبه به نام خلیفه فاطمی خوانده می شد و قاهره در شکوه فرهنگی و شکوفایی علمی و نیز اقتدار سیاسی و



شیعه در مصر، از امام علی (ع) تا امام خمینی، صالح وردانی، مترجم: عبدالحسین بینش، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲ ش، ایران - قم.

کتاب حاضر نوشته ای است از استاد صالح وردانی با ترجمه آقای عبدالحسین بینش. استاد وردانی از فعالان سیاسی مصر است و سال های چندی از عمر خویش را در زندان سپری کرده است. دوران زندان برای وی فرصتی فراهم آورد که در مبانی اعتقادی خویش بیندیشد و تجدیدنظر کند و در نتیجه به تشیع بگردد. از آن پس، وی تمام همت خویش را صرف فرهنگ شیعه در مصر کرد. از جمله فعالیت های ایشان تأسیس دو مؤسسه انتشاراتی دار البدایه و دار الهدف است که به گفته وی در مناسبت های شیعی به حسینه تبدیل می شود. استاد جز این کتاب، تألیفات دیگری در دفاع از شیعه و تشیع و دیگر امور وابسته دارد؛ از جمله:

نظامی، با بغداد عباسیان رقابت می کرد. حتی نفوذ فاطمی ها به بیرون از مصر امتداد یافته و به سرزمین های حجاز، شام و یمن رسیده بود. تجارت در آن سرزمین رونقی بسزا داشت و امنیت و عدالت حاکم بر آن موجب آرامش و آسایش ساکنانش گشته بود...»
مطالب مهم کتاب عبارت اند از:

معرفی شیعه، شیعه در مصر از صدر اسلام تا حکومت فاطمیان، دو قرن حکومت شیعه (فاطمیان) در مصر، انقراض فاطمیان، مصر پس از فاطمیان، تصوف و تشیع در مصر، بزرگان شیعه در مصر، زیارتگاه های شیعه در مصر، سفرهای علمای معاصر شیعه به مصر، مصر پس از آغاز جنگ بر ضد ایران و عناوین دیگری که به آن اشاره خواهد شد.

خلاصه ای از مطالب کتاب

مؤلف در فصل اول کتاب به معرفی شیعه می پردازد و می نویسد: واژه شیعه به صورت مفرد و جمع (شیعه، اشیاع، شیع) به معنای پیرو، گروه و امت در نه جای قرآن کریم آمده است و در روایات به پیروان علی (ع) شیعه، اطلاق شده است؛ چنانکه رسول اکرم (ص) فرمود: **«ان هذا وشيعته هم الفائزون»** «همانا این -یعنی علی (ع)- و شیعیان او، اینان رستگارند.» علی (ع) نیز در جنگ جمل به پیروان خود واژه شیعه را اطلاق کرده است در روایتی می فرماید: **«قتلوا شيعتي»** «آنان پیروان مرا کشتند.» همچنین در کتاب های تاریخ و سیره واژه شیعه به پیروان و طرفداران علی (ع) و اهل بیت اطلاق می شده است. ابوحاتم رازی می گوید: **«شیعه لقب گروهی است که در دوران رسول خدا (ص) با امیر المؤمنین (ع) دوست بودند و به همین عنوان شناخته می شدند؛ مانند سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود، عمار یاسر و دیگران.»**

اینان گروهی بودند که پس از وفات پیامبر (ص) با حضرت پیمان بستند و از بیعت با ابوبکر سرباز زدند.

شیعه سرچشمه دریافت معارف دینی را، پس از قرآن و سخنان پیامبر اکرم (ص)، در دایره دانش اهل بیت پیامبر (ص) محدود ساخته، آن بزرگواران را الگو و پیشوای خود می شمرد و به این اعتبار که پس از رسول خدا (ص) حفاظت و پاسداری از دین به آنان سپرده شده است، فرمانبرداری از ایشان را واجب می داند.

امامت، اصلی است که شیعه را از اهل تسنن و دیگر فرقه ها متمایز می سازد و مفهومش این است که پیامبر خدا به استناد وحی الهی حضرت علی را به عنوان امام پس از خود تعیین کرد و یازده امام پس از او نیز هر یک از طرف خداوند و به معرفی امام پیش از وی به امامت رسیده است.

شیعه بر این باور است که امامان نیز معصومند و این نتیجه منطقی اعتقاد به الهی بودن منصب امامت - به دلیل امتداد منصب پیامبر - است.

از عباسیان تا فاطمیان

مؤلف پس از معرفی شیعه، به تاریخ پیدایش تشیع در مصر می پردازد و بحث دامنه دار خود را که مربوط به تاریخ شیعه در مصر می شود، شروع می کند؛ وی می نویسد:

آیا پیدایش تشیع در مصر به دوران فاطمیان باز می گردد؟ مقریزی مورخ مشهور در پاسخ این پرسش اظهار می دارد که پیش از آمدن فاطمیان به مصر، مذهب تشیع برای مردم آن سرزمین شناخته شده بود... محمد بن ابی حذیفه که یک شهروند مصری و دارای قدرت بود، عقبه بن عامر کارگزار عثمان را برکنار کرد و مردم را بسیج و روانه مدینه کرد که در قیام علیه عثمان شرکت جستند و او را کشتند. پس از بازگشت به مصر وارد مسجد شدند و فریاد می زدند: عثمان را ما نکشتیم، عثمان را خدا کشت.

پس از سقوط بنی امیه و برپایی دولت بنی عباس، دعوت فرزندان حسن بن علی در مصر بر سر زبان ها افتاد و بسیاری از آنان با علی بن محمد بن عبدالله بیعت کردند. وی نخستین کس از علویان بود که به مصر رفت. شیعیان پیوسته در مصر حضور داشتند تا آن که متوکل عباسی طی نامه ای به حاکم آن سرزمین، فرمان اخراج فرزندان ابوطالب را از مصر به عراق صادر کرد و به دنبال آن در رجب سال ۲۳۶ همگی آنان از مصر بیرون رانده شدند.

پس از مرگ متوکل، مستنصر روی کار آمد و فرمان محدودیت برای علویان را صادر کرد، سپس «مستعین» سیاست او را ادامه داد و این وضع تا روی کار آمدن فاطمیان ادامه داشت.

پس از سقوط اخشیدیان و ورود فاطمیان به مصر، مذهب تشیع نیز در صحنه آشکار گردید و در مساجد مصر ندای «حی علی خیر العمل» سر داده شد. شعارهای شیعی از جمله درود فرستادن بر حضرت علی (ع) و بر امام حسن و امام حسین و فاطمه زهرا (ع) بار دیگر میان مردم رواج یافت. با آمدن فاطمیان، اوضاع مصر به طور کامل دگرگون شد. فرمان صادر شد که «بسم الله الرحمن الرحیم» باید در نماز بلند خوانده شود و به همه نقاط مصر نوشتند: «بهترین مردم پس از پیامبر، علی است» و فرمان دادند که در گرفتن روزه و پرداخت فطریه باید طبق مذهب شیعه عمل شود و خواندن نماز تراویح در مصر ممنوع گشت.

در ماه ربیع سال ۳۸۵ قاضی محمد بن نعمان در قصر قاهره برای تعلیم علوم اهل بیت بر کرسی درس نشست. مردم با شتاب

نساخان در آنجا سرگرم کار بودند. جامع الازهر که توسط دولت فاطمیان ساخته شد، هزار سال است که برپاست و یکی از آثار ماندگار آن دوران باشکوه است.

مهم ترین مناسبت های بزرگداشت که از طرف فاطمیان برگزار می شد، از این قرار بود: آغاز سال هجری، عاشورا، میلاد پیامبر (ص)، عید فطر، عید قربان، نیمه شعبان، میلاد امام علی و امام حسن و امام حسین و حضرت زهرا (ع) اول رمضان، عید غدیر، نوروز، شب اول و شب نیمه ماه رجب. هنوز شماری از آن مراسم در مصر باقی است؛ مانند روزهای میلاد، نیمه شعبان و آغاز سال هجری؛ ولی با روی کار آمدن ایوبیان بیشتر جشن ها و مراسم عزاداری برافتاد.

ریشه کن سازی شیعه

صلاح الدین ایوبی در سال ۵۶۴ وارد مصر گردید و حکومت را به دست گرفت. وی قضاوت مصر را از شیعیان گرفت و به علمای شافعی سپرد. مذهب شیعه پنهان گردید تا آن که به فراموشی سپرده شد. صلاح الدین در یک شب همه امیران باقی مانده را دستگیر کرد و یاران خودش را در خانه هایشان جای داد. صلاح الدین «حی علی خیر العمل» را از اذان برداشت و سراغ گروه های شیعی در جامعه مصری رفت تا شیعه را ریشه کن و محو کند.

با وجود اقدام های صلاح الدین در مصر، امروزه هیچ کس در مصر از ایوبیان به نیکی یاد نمی کند؛ در حالی که نام فاطمیان تا امروز بر سر زبان هاست. هنوز در قلب قاهره قدیم خیابانی به نام «معز لدین الله» حاکم فاطمی و خیابانی به نام «جوهر صقلی» وزیر فاطمی است.

مسجد «اقمر» و مسجد «الانور» و مسجد «طلائع بن زریک» که فاطمیان برپا کردند، هنوز به همین نام باقی مانده است. از پیامدهای سیاست ارباب آمیز و خونین صلاح الدین در برابر شیعه، گریختن پیروان این مذهب به شام و جنوب مصر بود تا از فشارهای او در امان بمانند و صفوف خود را برای رویارویی با وی یکپارچه سازند.

تصوف و تشیع

مؤلف سپس می پرسد:

آیا طومار زندگی شیعه پس از دوران ایوبیان درهم پیچیده شد؟ و جواب می دهد: با توجه به استیلای ایوبیان بر مصر و حمله های پیوسته ای که برای نابودی و پاکسازی شیعه در همه سطوح انجام می شد، پیروان این مذهب خود را ناگزیر به انتخاب یکی از سه راه دیدند: ۱. پناه بردن به تقیه و اظهار

به دعوت فاطمیان می پیوستند و ساکنان مناطق مختلف از یکدیگر پشی می گرفتند. مردم به دلخواه به دعوت اهل بیت روی می آوردند و در نتیجه مذهب اهل تسنن در اقلیت قرار گرفت.

گواهی مورخان در باره فاطمیان

هیچ یک از دولت های حاکم بر مصر، از آغاز فتوحات اسلامی، در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اندازه فاطمیان به مردم آن سرزمین خدمت نکرده است. بهترین گواه آن بنای شهر قاهره و جامع الازهر است. به گواهی تاریخ، با روی کار آمدن فاطمیان در زندگی فکری و ادبی مردم مصر نهضتی گسترده پدید آمد و علوم فلسفی، ریاضی، هیئت، نجوم و طب به اوج شکوفایی رسید.

دکتر محمد کامل حسین در این باره می نویسد:

«در دوران فاطمیان حیات فکری مصر به ویژه انواع علوم و فنون فلسفی دستخوش تحولی عظیم گشت و در پرتو پشتیبانی آنان شکوفایی یافت؛ حتی شماری از خلفای فاطمی در برخی رشته های علمی به ویژه هیئت و کیهان شناسی سرآمد بودند.»

دکتر عبدالمنعم ماجد نیز می گوید:

«افتخار تبدیل مصر به یک مرکز بازرگانی مهم بین المللی به فاطمیان باز می گردد؛ زیرا اینان نسبت به موقعیت جغرافیایی مصر در میان قاره ها و نقش آن در ایجاد ارتباط میان شرق و غرب آگاه بودند و برای سهولت تجارت، میان نیل و دریای سرخ، کانالی حفر کردند، که در روزگار مستنصر به خلیج حاکمی شهرت یافت.»

ناصر خسرو می نویسد:

«مصر در پرتو توجه فاطمیان شیعی مذهب برای نخستین بار در تاریخ، مرکز حکومت و مورد توجه جهانی گشت. قاهره به یکی از پایتخت های جهان اسلام تبدیل شد و علم و دانش در آن رونق بسزا یافت و کعبه آمال دانش پژوهان گردید. قلمرو دولت فاطمیان در دوران مستنصر بالله هشتمین و آخرین خلیفه فاطمی از اقیانوس اطلس تا رودخانه فرات امتداد داشت و دعوتشان به اوج رسیده بود.»

«حاکم بامر الله، در سال ۳۹۵ دار الحکمه یا دار العلم را تأسیس کرد و آن را به انواع کتاب های علمی، ادبی و اعتقادی مجهز ساخت. دانشجویان از جاهای گوناگون جهان به این مراکز علمی روی می آوردند و دار الحکمه مانند دانشگاهی بود که چندین دانشکده داشت. کتابخانه روزگار مستنصر در همه جهان اسلام بی مانند بود. این کتابخانه دارای چهل مخزن با بیش از دویست هزار کتاب بود و شمار زیادی از نویسندگان و

تسنن؛ ۲. فرورفتن در لاک فرقه‌های صوفیه؛ ۳. فرار به جنوب مصر و شام و یمن و هند و دیگر جاها.

با توجه به اینکه در مصر تصوف و صوفیگری بسیار گسترده است، مؤلف در اینجا چند سؤال مطرح می‌کند: آیا تصوف چهره دیگری از تشیع است؟ سرپویایی حرکت تصوف در مصر چیست؟ آیا این ثمره دوستی خاندان پیامبر است که در وجود مصریان باقی مانده است؟ محبتی که مصریان به اهل بیت دارند، به تصوف باز می‌گردد یا به تشیع؟ و موضع فرقه‌های تصوف در برابر شیعه چیست؟

و جواب می‌دهد: تاریخ تشیع در مصر به سال‌ها پیش از تصوف باز می‌گردد و به طور طبیعی تصوف را باید مولود تشیع شمرد.

از آنجا که ایوبیان و پس از آن‌ها «ممالیک» موفق به از میان بردن تشیع نگشتند، به پشتیبانی از تصوف روی آوردند؛ زیرا این فرقه می‌توانست طومار حیات شیعه را در هم پیچد. دلیلش هم این بود که تصوف، شعار شیعه یعنی دوستی اهل بیت را سر می‌داد و این شعار برای قدرت حاکم، خطری ایجاد نمی‌کرد؛ زیرا صوفیه به حقیقت شعار خویش، آگاهی کامل نداشتند. این بود که حکومت‌ها تصوف را آزاد گذاشتند تا در میان عموم مردم فعالیت کند و آنان را به چند دستگی گرفتار سازد؛ به این ترتیب تصوف فراگیر گردید.

تصوف با شعار دوستی اهل بیت در مصر گسترش یافت و به بزرگ‌ترین گرایش اسلامی تبدیل گشت این همه به حساب اهل بیت بود و بدون آنان، صوفیه در مصر نه بودی داشت و نه نمودی.

شخصیت‌ها و مزارهای شیعی در مصر

دوستی اهل بیت هنوز در دل مصریان نهفته و چونان سدّی محکم راه دعوت و هایت به جامعه مصر را بسته است. مراسمی که امروزه در سالگرد ولادت حضرت زینب و سالار شهیدان امام حسین (ع) و زادروز بانو نفیسه، شاهد برپایی آن هستیم، نشان بقای معنوی آن در ضمیر مردم است؛ همان‌طور که رواج تصوف در این کشور مرهون زنده نگه داشتن شعایر اهل بیت است و صوفیه آن را دستاویزی برای نفوذ خود در جامعه کرد.

پس از حضرت امام حسین و سیده زینب و سیده نفیسه، جایگاه‌ها و مراقد عده‌ای از بزرگان شیعه مورد احترام مردم است؛ از جمله مالک اشتر، محمد بن ابی بکر، طلایع بن رزیک، بدر الجمالی، افضل امیر لشکر، قاضی نعمانی و امیر مختار معروف به مسیحی، که مؤلف به معرفی یک یک آنان می‌پردازد و تاریخ زندگی آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس می‌گوید: علاوه بر اینها در روستاها و شهرهای مصر صدها ضریح و بارگاه

هست که برخی به پیشوایان صوفیه و برخی دیگر به بزرگانی که با کراماتشان در دل مردم جا گرفته‌اند، تعلق دارد. در جنوب مصر ده‌ها بارگاه به چشم می‌خورد که به یک صوفی یا فقیه یا تعبیر عامه «ولی» منسوب است. در آسوان مزارها و مشاهد زیادی وجود دارد که صاحبانشان به خاندان پیامبر منسوبند و پرچم‌های سرخ و سبز بر فرازشان افراشته است.

وجود این بارگاه‌ها به ویژه آن دسته از زیارتگاه‌هایی که مورد توجه همگانی است، پیوسته برای وهابیان مشکل‌آفرین بوده است. مؤلف سپس می‌گوید: با توجه به موقعیت مصر نزد شیعیان و نیز تأثیر این سرزمین بر قلمرو اسلامی، مصر در طول تاریخ پیوسته مورد توجه پیروان این مذهب بوده است.

قدمت تاریخ تشیع در مصر توجه بسیاری از بزرگان و مبلغان شیعی را به خود جلب کرده است. در طول تاریخ مهاجرت‌ها و سفرهای شیعیان به مصر، پیوسته برقرار بوده است.

مهم‌ترین شخصیت شیعی که به مصر مهاجرت کرد و در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی آن کشور نقش بارزی ایفا نمود و بر تاریخ جدید آن تأثیری شگرف نهاد، سید جمال‌الدین اسدآبادی است. همچنین از مشهورترین مسافرت‌های شیعی، سفر آیت‌الله کاشف‌الغطا است که همراه گروهی از علمای شیعه عراق و با دعوت رسمی در نیمه دهه شصت (۱۹۶۵م) به آن کشور رفت. دیدار دیگر از مصر توسط شیخ عبدالحسین شرف‌الدین لبنانی در اوایل سده حاضر صورت گرفت که طی آن با شیخ سلیم البشیری، شیخ الازهر به گفتگو پرداخت.

دیگر، سفر نوآب صفوی، رهبر فدائیان اسلام بود که در نیمه دهه پنجاه صورت پذیرفت. در دهه هفتاد «محمدجواد مغنیه» رئیس دارالقضای جعفری لبنان و سید مرتضی رضوی به مصر سفر کردند. از سوی دیگر شماری از بزرگان اهل تسنن، شیوخ الازهر و اندیشوران دهه شصت مصر نیز مسافرت‌هایی به نجف اشرف و شهر قم داشتند. «احمد امین» با گروهی از مدرسان و دانشجویان در سال ۱۳۴۹ ق از نجف اشرف دیدار کرد. نویسنده سیاسی «محمدحسین هیکل» نیز دو بار به ایران سفر کرد.

سفر نخست او در سال ۱۹۵۱ همراه با دیدار با آیت‌الله کاشانی بود. سفر دوم پس از انقلاب بود که با آیت‌الله خمینی دیدار داشت. او در سفر اول کتاب «ایران فوق برکنان» و در سفر دوم کتاب «مدافع آیت‌الله» را تألیف کرد و در مصر به چاپ رسید. مؤلف به شرح سفرهای سید جمال‌الدین و دیگر اندیشوران شیعی به مصر می‌پردازد و فعالیت‌ها و گفتگوها و دیدارهای ایشان را برمی‌شمارد.

مصر پس از جنگ عراق بر ضد ایران

مؤلف سپس به دهه هفتاد به بعد می پردازد و می نویسد:

در دهه هفتاد همه جریان های فکری اسلامی در مصر در حال منازعه بودند. گروه های اخوان المسلمین با گروه های الجهاد، التكفیر، جماعة المسلمین و سلفی ها و همگی با حکومت درگیر بودند و همه گروه ها به جز اخوان با صوفیه، منازعه داشتند.

اسلام رسمی و دولتی هیچ گونه دشمنی با شیعه نداشت و روابط میان الازهر و وزارت اوقاف با هیئت های علمای شیعه ایران و عراق و لبنان استوار بود؛ اما به محض شروع انقلاب اسلامی ایران همه امور دگرگون شد و اندک زمانی پس از آغاز جنگ ایران و عراق، همه گروه هایی که مؤید و پشتیبان انقلاب بودند، با آن سرستیز و دشمنی گرفتند. این رویداد چگونه پیش آمد؟

پس از حوادث ایران، چشم ها به سوی مصر خیره شده بود و آن جا را دومین سرزمینی می دیدند که در پیمودن راه اسلام به ایران خواهد پیوست. از این رو قدرت های بدخواه اسلام در صدد پیاده کردن نقشه های پلید خود برآمدند که مصر را از ایران جدا کنند؛ در راستای اجرای این طرح بر سه موضوع تکیه کردند:

یک. بهره برداری از جریان وهابیت که فکر حرکت اسلامی را به خود مشغول کرده بود و از ناآگاهی سیاسی و بی تجربگی عامه مردم بهره برداری می کرد.

دو. دامن زدن به اختلاف های کهنه میان سنی و شیعه و پخش شایعاتی که عقاید شیعی را می کوبید و مسلمانان را نسبت به تشیع و انقلاب اسلامی دچار شک و تردید می کرد.

سه. تشویق حکومت مصر به موضعگیری بر ضد ایران و وادار کردن کشور برای پشتیبانی تبلیغاتی و سیاسی از مصری های مخالف ایران و باز گذاشتن دست وهابی ها برای ایجاد سدی استوار که از تأثیرپذیری مسلمانان از شیعه و ایران جلوگیری کند. حقیقت این است که این طرح با دقت اجرا شد و در تحقق اهدافش یعنی ایجاد اختلاف میان جنبش اسلامی در مصر و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی دست یافت و مصریان را در شمار دشمنان انقلاب درآورد. در این راه همه وسایل تبلیغاتی مانند مقاله، کتاب، سخنرانی و کنفرانس به کار گرفته شد. تنها شمار اندکی از صاحبان بصیرت از این فتنه جان سالم به در بردند و بقیه در امواج آتش فتنه ای که از سوی سعودی ها و عراقی ها شعله ور شده بود، گرفتار آمدند.

حجم ابزار و وسایلی که در مبارزه بر ضد شیعه در مصر به کار گرفته شد و نیز شمار گروه هایی که در آن شرکت جستند، چشم هر پژوهشگر را خیره می سازد.

این جنگ در وهله نخست ماهیت سیاسی داشت و هدف آن ختنی سازی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر مردم عرب منطقه به ویژه مردم مصر بود. دامنه جنگ بر ضد شیعه در مصر به درهم کوبیدن همه تلاش های شیعی و حمله به همه کسانی که به نوعی با شیعه در ارتباط بودند، نیز شکیده شد. نخستین ضربه وارده بر تلاش های شیعی در مصر، متوقف ساختن فعالیت «جماعت تقرب» و پس از آن انحلال «جمعیت آل البیت» توسط سازمان امنیت بود. پس از آن، عناصر اسلامی و برخی از نویسندگان و استادان دانشگاه ها به اتهام تشکیل مجموعه ای جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند که در سال ۱۹۸۷ م اتفاق افتاد.

ضربه دیگر در سال ۱۹۸۸ م بر پیکر برخی عناصر شیعی مصر و نیز عرب های مقیم آن کشور به اتهام تشکیل سازمانی موهوم به نام «سازمان شیعیان خمینی»، وارد آمد.

پیدایش این سازمان، در آن هنگام در سطح مصر و سراسر جهان عرب، بازتاب بسیار گسترده ای یافت؛ زیرا عناصری از بحرین و کویت و عراق نیز به آن پیوستند و به داشتن ارتباط با حزب الله متهم شدند.

سال بعد، ضربه متوجه یکی دیگر از سازمان های شیعی گردید که آن نیز به سازمان شیعه خمینی موسوم بود. معلوم بود که حکومت به سازمان نخست بسنده نکرده و تصمیم به جعل سازمان دوم گرفته است تا به اهداف خود برسد.

دارالتقرب

دارالتقرب در سال ۱۹۴۶ م در مصر آغاز شد و از سوی گروه «اخوان المسلمین» به رهبری حسن البنا مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفت. بسیاری از رجال الازهر که با شمار زیادی از علمای شیعی در طول این دوران و تا اواخر دهه هفتاد، روابط دوستانه داشتند، در تشکیل آن سهم بودند؛ از جمله شیخ محمود شلتوت، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ شرباصی، شیخ فحّام و شیخ محمد مدنی (مدیر کل جماعت تقرب میان مذاهب اسلامی).

از جمله علمای شیعی که در این جماعت شرکت داشتند و با علمای الازهر و مبلغان سرشناس در مصر مرتبط بودند، شیخ محمدتقی قمی از ایران، شیخ محمدجواد مغنیه (رئیس قضات جعفری در لبنان) شیخ علی آل کاشف الغطا، سید مرتضی رضوی و سید طالب حسینی الرفاعی از عراق است. به تعبیر شیخ مدنی (مدیر کل جماعت تقرب) هدف این نبود که شیعه و سنی مذاهبشان را کنار بگذارند، بلکه هدف این بود که همه مذاهب اسلامی بر گرد اصول مورد اتفاق گرد هم آیند و در بقیه مسائل یکدیگر را تحمل کنند.

جمعیت تقریب در آغاز پیدایش، مخالفانی داشت که پیوسته علیه آن شبهه پراکنی می کردند؛ ولی با همه فشارها به حیات خود ادامه داد.

متأسفانه با شروع انقلاب اسلامی در ایران تلاش های دارالتقرب متوقف گردید و مجله رساله الاسلام که به وسیله این جماعت منتشر می شد و دربردارنده مقاله های بسیاری از علمای شیعه و سنی بود، توقیف گردید. شگفت این که الازهری که در آغاز با جمعیت تقریب همگام و با شیعه مهربان بود، ناگهان مطابق با سیاست حکومت، به صف دشمنان شیعه و ایران پیوست. الازهر هنوز هم تا به امروز بر همین موضع است و کتاب های شیعی را به این بهانه که در گرایش های افراطی حاکم بر مصر دست دارد، مطرود می شمارد.

جمعیت آل البیت

جمعیت آل البیت در سال ۱۹۷۳م در آغاز، عنوان شیعه را به طور آشکار بر خود نداشت و درباره اهدافی که بر پایه آن ها تشکیل شده بود، چیزی نمی گفت و به کمک های اجتماعی و خدمات فرهنگی و علمی و دینی بسنده می کرد و با دیگر جمعیت های موجود در مصر و در رأس آنها اخوان المسلمین ارتباط برقرار کرد. این جمعیت همراه جماعت تقریب، فعالیت می کرد و در میان اعضایش عناصر شیعه و سنی دیده می شد؛ از جمله سید طالب الرفاعی که از علمای شیعه عراق بود. پس از انتشار چند کتاب شیعی از سوی آل البیت، مانند المراجعات، و علی (ع) لاسواه و التشیع ظاهرة طبيعية فی إطار الدعوة الاسلامیه، حساسیت هایی را علیه آنان برانگیخت. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و دشمنی نظام مصر با آن، فعالیت های اسلامی به طور عام و فعالیت های شیعی به طور خاص دچار مشکل شد و بالاخره جمعیت آل البیت توسط حکم دادگاه تعطیل شد. یکی از اتهام ها این بود: «به خطر انداختن اعتقادات مردم و از میان بردن وحدت صفوفشان از طریق رواج افکار بیگانه با دین اسلام و موافق با تفکر شیعی!» قضیه به صرف انحلال جمعیت ختم نشد، بلکه تنها مسجد منسوب به این جمعیت یعنی مسجد آل البیت مصادره شد و به مسجد های دولتی ضمیمه گردید.

توقف فشار بر شیعه

با آغاز سال نود، فشار بر شیعه رو به کاهش نهاد تا آن که همزمان با توقف جنگ عراق بر ضد ایران، به طور کامل از میان رفت. گویی تهاجم بر ضد شیعه موقوف به جنگ شده بود، ولی این سخن نه به معنای این است که شیعه در مصر یک گروه قانونی

باشد، زیرا هنوز موانع امنیتی فراوانی پیرامونش را گرفته است. تنور تهاجم سیاسی همچنان داغ است و پرچمدار این تهاجم به ظاهر مقدس، گروه و هابی سلفی است.

تلاش مهاجران عرب شیعه در رویارویی با تبلیغات گسترده و هابیان و سلفی گری موجب مطرح شدن و معرفی بیشتر شیعه گردید. بسیاری از شیعیان عراقی که از دست صدام گریخته بودند و یا برای تحصیل به مصر آمده بودند و بسیاری از شیعیان سعودی و بحرینی که در مصر به سر می بردند، در دفاع از شیعه در برابر حملات تبلیغاتی علیه این مذهب، فعال شدند.

عراقی ها از آیت الله خوئی تقلید می کردند و بیشتر بحرینی ها و شماری از سعودی ها مقلد آیت الله شیرازی بودند. نظریه تقلید تا این دوره برای مصری ها روشن نبود، همان طور که نام مراجع بزرگ تقلید شیعه در مصر مشهور نبود؛ اما در پرتو تلاش های تبلیغاتی گروه های شیعه نام آنان در مصر بر سر زبان ها افتاد.

بسیاری از مردم مصر از طریق همین افراد و دریافت کتاب هایی مانند أصل الشیعه وأصولها و المراجعات و الحرب العراقية الايرانیه و نحو وحده اسلامیه با مذهب شیعه و سیاست های جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آشنا شدند.

در اواخر سال ۱۹۸۶م مقدمات تأسیس نخستین مؤسسه انتشاراتی شیعی در مصر به دست برخی از اعراب و مصری ها فراهم گردید. این مؤسسه که «دار البدایه» نامیده شد، شماری از کتاب های متفکران شیعی را برای عرضه در نمایشگاه بین المللی کتاب قاهره به چاپ رساند.

ظهور دار البدایه در نمایشگاه بین المللی سال ۱۹۸۷م کتاب قاهره، گروه سلفی را که پیوسته در کمین شیعه بود، غافلگیر کرد؛ همان طور که مأموران امنیتی و جاسوس ها نیز غافلگیر شدند.

دار البدایه از طرف گروه های سلفی و وهابیان و مأموران امنیتی به انواع گوناگون مورد حمله و آزار و اذیت قرار گرفت و به عنوان یک تلاش جاسوسی از سوی ایران تلقی و بالاخره تعطیل شد.

پس از تعطیلی دار البدایه، انتشاراتی دیگری به نام «دار الهداف» تأسیس گردید تا توجه همگان را به شیعیان مصر جلب کند و حضور فعالانه آنان را در جامعه مصری به اثبات برساند.

دار الهداف، علاوه بر آن که همه ساله در نمایشگاه بین المللی کتاب قاهره شرکت می کند و در نشر کتاب های شیعی سهیم است، به احیای مناسبت های شیعی مثل روز عاشورا و روز عید غدیر نیز اهتمام می ورزد و با این کار به صورت یک حسینیه به مفهوم شیعی درآمده است.

این مؤسسه از سوی گروه های داخل و خارج مورد تهدید

قرار دارد و حکومت نیز با ایجاد موانع امنیتی از تلاش های شیعی این مرکز، جلوگیری می کند.

موضع حکومت مصر نسبت به ایران پیوسته بر شیعیان و فعالیت های آنان اثر می گذارد؛ زیرا حکومت به شیعیان به چشم دنباله روهای سیاست ایران، نگاه می کند.

فرقه بَهره

آخرین فصل کتاب درباره «بَهره» یکی از فرقه های شیعی اسماعیلی است که پس از انقراض فاطمیان از مصر کوچ کرده بودند و اینک به تدریج به مصر بازگشته و جمعیتی را تشکیل داده اند. وی می نویسد:

امروزه در مصر اثری از شیعه اسماعیلی فاطمی دیده نمی شود. این طایفه در سوریه و در هند وجود دارند.

چنین به نظر می رسد که مهاجرت فرقه بَهره در اواخر دهه هفتاد در روزگار انور سادات آغاز شد و در دهه هشتاد به اوج خود رسید. اعضای این فرقه بلافاصله پس از رسیدن به مصر در قاهره فاطمی ها اقامت گزیدند و به سراغ بارگاه ها و آثار امامان فاطمی رفته، به ساخت و ساز و تجدید بنای آنها پرداختند. از مشهورترین آثار فاطمیان که توسط بَهره تجدید گردید، مسجد «حاکم بامر الله» موسوم به جامع الانور، همسایه دیوار به دیوار قاهره از سوی شمال است که از بزرگ ترین مساجد قاهره به شمار می آید.

این فرقه، بارگاه های اهل بیت را در مصر نیز تجدید بنا کردند؛ از جمله بارگاه و مقام حضرت زینب و مقام رأس الحسین (ع) و قبر مالک اشتر.

با مهاجرت بَهره های فاطمی به مصر، شمار شیعیان که برای مدت هشت قرن از این کشور غایب بودند، بار دیگر رو به فزونی نهاد.

با توجه به اتخاذ برخی مواضع خصمانه رهبر بَهره نسبت به شیعه، پرسش های چندی درباره این فرقه برانگیخته شده است. از جمله این پرسش ها، نقش بَهره در مصر و اهدافی است که این فرقه دنبال می کند و این که عقاید و حقیقت مذهب آنان چیست و تجاوز آنان به آثار باستانی به چه منظوری است؟

پرسش دیگر درباره مواضع آنان در طول جنگ عراق علیه ایران است؟

گروهی تلاش کردند تا حکومت را وادار به اخراج بَهره از مصر سازند، ولی آن طور که پیداست حکومت از آنان خشنود است، زیرا خطری از سوی آنان احساس نمی کند و نشانه ای از این که دولت از اینان احساس نگرانی کند، به چشم نمی خورد و طرفین در محدوده ای مشخص با یکدیگر در دادوستد هستند.

آنان از میانه روهای اسماعیلیه هستند و عبادات و شعایر شان اختلاف چندانی با شیعه امامیه ندارد. تنها اختلاف با شیعه در شمار امامان است. ایشان پس از امام صادق (ع) معتقد به امامت فرزندش اسماعیل که در دوران آن حضرت از دنیا رفت، هستند. از این رو آنان را اسماعیلیه می نامند.

فرقه بَهره در مصر با حکومت این کشور ارتباطی محکم دارد و امام این فرقه با انور سادات و امروزه با حسنی مبارک در ارتباط است. اینان با وزارت اوقاف مصر در ارتباط نزدیکند و میلیون ها دلار به آن تقدیم کرده اند.

کتاب دارای یک خاتمه و سیزده پیوست ارزنده است:

۱. جدول اسامی خلفای فاطمی؛ ۲. شهادتنامه ای که از سوی عباسیان برای مخدوش ساختن نسب فاطمیان تنظیم گردید؛

۳. متن تلگرافی که به وسیله آن از حضرت آیت الله کاشف الغطا برای شرکت در دومین کنفرانس مجمع پژوهش های اسلامی در مصر، دعوت به عمل آمد؛

۴. متن سخنرانی حضرت آیت الله کاشف الغطا به مناسبت سالگرد حادثه کربلا که در شب دهم محرم ۱۹۶۵ م از رادیو صوت العرب قاهره پخش گردید؛

۵. متن فتوایی که به وسیله حضرت استاد بزرگ شیخ محمود شلتوت شیخ الازهر درباره جواز پیروی از مذهب تشیع - حدود سی سال پیش - صادر گردیده است؛

۶. متن مصاحبه روزنامه «روز الیوسف» با امام کاشف الغطا در شماره ۱۹۳۰ هشتم ژوئن ۱۹۶۵ م، درباره مسائل مختلف به ویژه اختلاف میان شیعه و سنی و سعی در تقریب مذاهب اسلامی و چند موضوع مهم دیگر؛

۷. متن نامه مفتی اسبق سرزمین مصر، شیخ حسنین محمد مخلوف به شیخ شعراوی در هنگام تصدی وزارت اوقاف که در آن وی را علیه شیعه و دارالتقریب تشویق می کند؛

۸. فهرست نام برخی از علمای الازهر که با شیعه همکاری داشته و آنان را یاری داده اند؛

۹. جدولی که نشانگر موضع شیعه نسبت به صحابه است؛

۱۰. نمونه کتاب های شیعی که در مصر به چاپ رسیده است؛

۱۱. نمونه کتاب های تألیف شده بر ضد شیعه و ایران در مصر؛

۱۲. متن مصاحبه مرحوم عمر تلمسانی، مرشد اخوان

المسلمین پیرامون شیعه و ایران در سال ۱۹۸۲ م؛

۱۳. نمونه کتاب هایی که در دفاع از شیعه در مصر انتشار یافته است؛